روزنه

عباس عراقچی:

مذاکره با بوینگ و ایرباس هنوز به نتیجه نرسیده است

● سیدعباس عراقچی، رئیس ستاد پیگیری اجرای برجام، در گفت‌وگویی با خبرگزاری خانه ملت، به موضوع تأخیر در تحویل هواپیماهای ایرباس و بویینگ به ایران پرداخت و گفت: تأخیری که در زمینه تحویل هواپیماها وجود دارد، به مذاکراتی که بین ایران‌ایر و ایرباس و بویینگ در جریان است، مربوط می‌شود که این مذاکرات هنوز به سرانجام نرسیده است. معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه با بیان اینکه هم ایرباس و هم بویینگ هم‌زمان از وزارت خزانه‌داری آمریکا درخواست مجوز فروش این هواپیماها را به ایران کرده بودند، گفت: طبق برجام دولت آمریکا موظف است که این مجوزها را بدهد؛ چون بخشی از تحریم‌های اولیه است. او با بیان اینکه مشکل عمده تأخیر در صدور این مجوزها بود که صادر شده است، ادامه داد: تحویل هواپیماها به ایران منوط به این است که مذاکرات دوجانبه بین ایران‌ایر و ایرباس و بویینگ هم به سرانجام برسد. عراقچی با بیان اینکه مذاکرات این موضوع مفصل و پیچیده است و ابعاد متعدد فنی و حقوقی را در بر می‌گیرد که در حال اجرا است، یادآور شد: دوستان ما در هواپیمایی امیدوار هستند که اولین هواپیماها به ایران وارد شود. او در پاسخ به این سؤال که مصوبات مجلس نمایندگان آمریکا تا قبل از امضای رئیس‌جمهوری، آیا نقض برجام محسوب می‌شود یا خیر، پاسخ داد: نه، اینها زمانی که بخواهد اجرائی شود، نقض برجام محسوب خواهد شد. معاون امور حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه با بیان اینکه طبق برجام رئیس‌جمهوری آمریکا متعهد است که جلوی چنین مصوباتی را بگیرد، گفت: اگر تحریم جدید هسته‌ای بخواهد علیه ایران برقرار شود، رئیس‌جمهوری آمریکا متعهد است که طبق برجام آنها را وتو کند. رئیس ستاد پیگیری اجرای برجام با بیان اینکه تا الان موردی نداشته‌ایم که پیشنهاداتی که نمایندگان کنگره ارائه می‌دهند، به مرحله تصویب قانون برسد که رئیس‌جمهوری بخواهد وتو کند، گفت: تاکنون این موضوعات در همان مراحل اولیه منتفی شده‌اند یا همان‌جا گیر کرده و هنوز به سرانجام نرسیده است.

کری: در توافق هسته‌ای فراتر از تعهدات‌مان رفته‌ایم

● وزیر امور خارجه آمریکا بار دیگر با ادعای اینکه کشورش در اجرای تعهدات خود در توافق هسته‌ای کوتاهی نکرده است، گفت: ما حتی از تعهدات‌مان فراتر رفته‌ایم تا اطمینان یابیم که بانک‌ها با ایران تعامل می‌کنند.

به گزارش ایسنا، جان کری، وزیر امور خارجه آمریکا، در یک گفت‌وگوی تفصیلی با نشریه فارین افرز درباره مسائل مختلف بین‌المللی ازجمله توافق هسته‌ای ایران و گروه ۱+۵ و بحران سوریه صحبت کرد و در پاسخ به سؤالی درباره مذاکرات برای حل بحران سوریه و اینکه آیا وی می‌تواند توافقی را تصور کند که هم آمریکا، هم روسیه و هم ایران را در بر داشته باشد، گفت: من می‌توانم چنین توافقی را متصور باشم؛ هرچند هنوز کسی حرف آخر خود را در این مقطع زمانی نزده است؛ اما بهتر است که بر سر میز مذاکره برای مذاکراتی درست تلاش شود تا اینکه بیشتر از این شاهد تخریب حلب و سوریه باشیم.

او در ادامه این گفت‌وگو درباره اینکه آیا ممکن است توافق هسته‌ای منجر به تغییر رفتار ایران در دیگر زمینه‌ها شود، گفت: درحال‌حاضر مهم‌ترین چیزی که می‌توانیم انجام دهیم، این است که اطمینان حاصل کنیم که ما به سهم خود به این توافق پایبند بوده‌ایم. ما این کار را انجام داده و حتی فراتر از آن رفته‌ایم تا اطمینان کسب کنیم که بانک‌هایی به دلایل متعدد که مایل به تعامل با ایران نیستند، با این کشور دادوستد می‌کنند. ما تمام تحریم‌هایی را که توافق کردیم لغو کنیم، برداشته‌ایم؛ اما مشکلات دیگری نیز وجود دارد. ما باید به ایران در درک این موضوع کمک کنیم که چالش‌هایی داخلی درباره نظام بانکداری، رویه‌های تجاری و شفاف‌سازی خود دارد که باید به آنها رسیدگی کند.

کری در پاسخ به این سؤال که آیا آنها می‌توانند چنین کمکی را به ایران بکنند، مدعی شد: بله، ما درباره فناوری و چند چیز ویژه دیگر توانستیم کمک کنیم؛ اما به دلیل درگیری ایران در یمن، پشتیبانی‌اش از اسد (رئیس‌جمهوری سوریه)، حمایتش از حزب‌الله و شلیک موشک‌هایی که مردم آن را تهدیدآمیز می‌بینند و این قبیل موارد، این کار بسیار دشوار است. این مسائل تلاش‌ها برای حرکت رو به جلو را پیچیده می‌کند.

وزیر خارجه آمریکا در ادامه گفت: اما من امیدوارم که ایران به مرور زمان به شکلی سازنده به جامعه بین‌الملل بازگردد و برای باثبات‌ترشدن منطقه و برقراری صلح در مناطقی که به آن نیاز دارند، تلاش کند.

عکس: محمود حسینی، تسنیم

رئیس پیشین ستاد کل نیروهای مسلح مطرح کرد

روایت تازه از ۱۸ تیر

«چالش امنیتی بود و خود شورای عالی امنیت ملی اجازه برخورد را داد»؛ این قسمتی از روایت سرلشکر «حسن فیروزآبادی»، رئیس پیشین ستاد کل نیروهای مسلح است درباره وقایع ۱۸ تیر ۱۳۷۸. او در سال‌های ریاستش به عنوان رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، عضو شورای عالی امنیت ملی نیز بوده است. «فیروزآبادی» به «فارس» گفت: «من اینجا به عنوان عضو شورای امنیت ملی عرض می‌کنم که مقابله نیروهای مسلح با شورش‌های خیابانی در جریان ۱۸ تیر سال ۷۸ با مجوز شورای عالی امنیت ملی و شخص رئیس شورای عالی امنیت ملی که خود آقای خاتمی بود، صورت گرفت». مجموعه وقایع رخ‌داده در کوی دانشگاه تهران و خیابان‌های اطرافش، که بین روزهای ۱۸ تا ۲۳ تیر ۱۳۷۸ رخ داد، در ادبیات سیاسی ایران به وقایع «کوی دانشگاه» و «وقایع ۱۸ تیر» معروف است.

رئیس پیشین ستاد کل نیروهای مسلح ادامه داد: «وقتی چالش، تبدیل به قضیه امنیت ملی می‌شود، نمی‌توان نیروهای نظامی را محکوم کرد که چرا درگیر شدید؟ خب چالش امنیت ملی بوده. ولی حالا خود رئیس‌جمهوری (خاتمی) که دستور داده و آن را تصویب کرده، یا سکوت کرده یا بیانیه می‌دهد بعد مردم خیال می‌کنند که سپاه تنها بوده است».

فیروزآبادی افزود: «خودشان تصویب کردند، خود شورای عالی امنیت ملی اجازه برخورد را داد و بعد دبیر شورای عالی امنیت ملی بیانیه داد و آن را محکوم کرد و تصور می‌شد که سپاه یا نیروهای مسلح مسئول آن بوده، درصورتی‌که این‌طور نبود، این تصمیم شورای عالی امنیت ملی و تأیید رئیس‌جمهور بود. آن زمان جلوی خود بنده آقای روحانی با آقای خاتمی تماس گرفتند و گفتند وضع این‌گونه و جمع‌بندی این است و ایشان گفتند دیگر هر تصمیمی که گرفتید انجام دهید، از این به بعد هم همین‌طور خواهد بود».

این درحالی است که خبرگزاری «فارس»، در گزارشی که تیر ماه امسال به مناسبت سالگرد وقایع کوی دانشگاه منتشر کرد، نوشت: «گفته می‌شود در جلسات پیشین شورای امنیت ملی به دلیل حضورنیافتن روحانی، خاتمی این جلسات را اداره می‌کرده و با ورود سپاه به ماجرای تأمین امنیت تهران مخالفت می‌کرده؛ اما روحانی پس از بازگشت از سفر فرانسه در جلسه‌ای که تشکیل می‌دهد با اعطای مجوز به سپاه و بسیج موافقت می‌کند».

روایت فرمانده وقت سپاه

اما به غیر از روایت «فیروزآبادی» که آن را بیان کرده، دیگر افراد در جریان نیز اتفاقات آن روزها را روایت کرده‌اند. سردار «یحیی رحیم‌صفوی»، فرمانده کل وقت سپاه، از جمله افرادی است که آن روزها را روایت می‌کند. او در مصاحبه‌ای که دی ۱۳۸۸ با مجله «پنجره» داشته و خبرگزاری «فارس» آن را بازنشر داده، گفته «برای بنده به عنوان فرمانده کل سپاه براساس اطلاعاتی که داشتیم، برخی از مسئولان دولتی در آن زمان حامی اغتشاش بودند». او در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه «شما به عنوان فرمانده کل سپاه پیغام دادید که آنها از یک خطی دیگر پایین نیایند، یعنی نشان‌دهنده این است که آنها فتنه آن زمان را خودشان راه انداخته بودند»، می‌گوید: «بله همین‌طور است. پایین‌تر از خطی که ما تعیین کرده بودیم نیامدند و تقریبا پنج یا شش روز بود که از فتنه ۱۸ تیر می‌گذشت و ما در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی که دکتر حسن روحانی دبیری آن را برعهده داشت اظهار کردیم که نیروی انتظامی دیگر خسته شده و نمی‌تواند ادامه دهد، چون پنج، شش روز است که آنها تهران را به آتش کشیده‌اند و باید دیگر سپاه پاسداران و بسیج وارد عرصه شوند که وزیر کشور وقت مخالفت می‌کرد». او از گفت‌وگویی تند با وزیر کشور وقت، یعنی «عبدالواحد موسوی‌لاری» در جلسه شورای عالی امنیت ملی صحبت می‌کند و می‌گوید: «این در صورتی بود که امنیت تهران برعهده سپاه پاسداران است و حتی گفت‌وگوی تندی هم بین این‌جانب و وزیر کشور صورت گرفت که در نهایت با مصوبه حضرت آقا سپاه و بسیج وارد عرصه شد و بدون تیراندازی و تلفات انسانی ظرف چند ساعت ماجرا را تمام کرد».

او در مصاحبه‌ای دیگر با خبرگزاری «فارس» که سال ۱۳۹۰ انجام شده، گفته بود: «در روزهای نخست فتنه ۷۸ وزیر کشور اجازه نمی‌داد که سپاه و بسیج وارد عمل شده و آشوبی که تهران را به آتش کشیده بود را آرام کنند. می‌گفت فقط نیروی انتظامی و این در حالی بود که نیروی انتظامی می‌گفت ما دیگر نمی‌توانیم ادامه بدهیم... آقای روحانی (دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی) به نفع سپاه رأی داد و گفت: «سپاه باید بیاید؛ برای دفع فتنه تهران». بعد اینکه موضوع گزارش شد و حضرت آقا هم اجازه دادند، با ورود بسیج و سپاه، ظرف چند ساعت این فتنه تمام شد. می‌توانم بگویم عناصری که ما آن زمان دستگیر کردیم آنها گفتند که از سوی مسئولان برخی وزارتخانه‌ها حمایت می‌شدند. بعد از اینکه سپاه و بسیج وارد عمل شدند و ظرف دو ساعت کار را تمام کردند. بعد از آن هم حضرت آقا سخنرانی کردند. مردم ایران هم در ۲۳ تیرماه با حضورشان در خیابان‌ها جواب آنها را دادند».

روایت ناطق نوری

حجت‌الاسلام «اکبر ناطق‌نوری» رئیس وقت مجلس شورای اسلامی هم روایت خود را از ۱۸ تیر ۱۳۷۸ در بخشی از جلد دوم کتاب خاطراتش این‌گونه منتشر کرده است: «با اینکه در این زمینه مسئولیتی نداشتم دائم به جاهای مختلف از دفتر خودم در مجلس تلفن می‌زدم. حراست خود را هم به صحنه تظاهرات فرستاده بودم تا به من خبر دهند. چون گفته بودند اغتشاش‌گران به سمت بهارستان هم آمدند. مسئول حراست، آخرین وضعیت را به من گزارش می‌داد که مثلا الان اغتشاش‌گران در کجا هستند و چه کار می‌کنند». او در این خاطرات که خبرگزاری «ایرنا» آن را بازنشر کرده، از تماسش با «علی لاریجانی» رئیس وقت صداوسیما خبر می‌دهد و می‌گوید: «زمانی که نزدیک ایستگاه رادیو بودند، با آقای لاریجانی تماس می‌گرفتم که شما آنجا چقدر نیرو دارید؟ و بعد معلوم شد تدابیری اندیشیده شده بود. من با آقای ذوالقدر و آقای رحیم‌صفوی، فرمانده محترم سپاه، نیز پی‌درپی تماس می‌گرفتم و آنها هم می‌گفتند هنوز به ما دستور داده نشده و علت دارد که دستور داده نشده، حتما شما در جریان هستید». «ناطق‌نوری» ادامه می‌دهد: «بالاخره در مقطعی، دستور صادر شد که سپاه وارد عمل بشود و در دو ساعت اغتشاشی که از «میدان بخارایی» تا «شهر ری» کشیده شده بود، پایان یافت. در همین زمان، جلسه‌ای در حضور مقام معظم رهبری از سران سه قوه، فرماندهان نظامی سپاه، وزیر اطلاعات، وزیر کشور و تا آنجا که من یادم است، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی تشکیل شد. مقام معظم رهبری از وزیر کشور سؤال کردند (نزدیک غروب بود) «اوضاع چه خبر است؟» گفت که «حاج‌آقا تظاهرات و ناآرامی‌ها را جمع کردند و بر همه چیز مسلط هستیم»؛ من چون خودم از بعدازظهر قضایا را تعقیب می‌کردم، خیلی عصبانی بودم، بین حرف پریدم و با تندی گفتم: «آقا ایشان گزارش بی‌ربطی می‌دهند. این‌طوری نیست. همین الان در میدان بخارایی، سپاه درگیری دارد، اینها را آقای صفوی بفرمایند»؛ آقای رحیم‌صفوی گفت: «درست است»؛ جالب‌تر از همه اینکه خود آقا فرمودند: «تنها در میدان بخارایی نیست، شهر ری الان آشوب است»؛ یعنی خود آقا از همه ما بیشتر، خبر داشتند».

او می‌گوید: «من همان‌جا گفتم که «آقا، بنده اعتقاد دارم نهضت آزادی و این نیروها در پشت پرده این جریان هستند و اگر ما بخواهیم این آشوب و شورش را بخوابانیم، به نظر من باید سران اینها را دستگیر کرده، عده‌ای را که در صحنه آشوب کردند هم به سرعت محاکمه کنیم. حتی اگر لازم باشد -دیدیم که اینها به‌هرحال بحران ایجاد کرده‌اند و قصد براندازی دارند- آنها را به سینه دیوار بگذاریم. اگر قصد براندازی نظام را دارند و با اسلام محارب هستند، با آنها برخورد بشود»؛ بعضی از مسئولان خیلی جا خوردند و گفتند: این نوع حرف‌زدن جلوی آقا؟! اما من ریشه اغتشاش را در نهضت آزادی می‌دانم، اینها دنبال براندازی هستند و در کشور بحران ایجاد می‌کنند و بالاخره باید با آنها برخورد کرد، حکومت تعارف ندارد. من در ماجرای ۱۸ تیر ۷۸، قائل بودم که باید سران نهضت آزادی دستگیر، محاکمه و با آنها برخورد قاطع شود؛ اما رئیس دولت اصلاحات این اعتقاد را نداشت».

روایت فرمانده وقت لشکر ۱۰ سیدالشهدا

سردار «اسدالله ناصح»، فرمانده وقت لشکر ۱۰ سیدالشهدای تهران، نیز روایتی مشابه روایات گفته‌شده دارد؛ البته با جزئیات بیشتر. او به «فارس» گفته «آن زمان آقای خاتمی به‌عنوان رئیس‌جمهوری در آن جمع مطرح نبود که علیه او شعار دهند؛ بنابراین تا آن زمان به آقا و آقای خاتمی توهین نمی‌کردند، جریان از آنجا (مقابل وزارت کشور) راه افتاد و به خیابان فلسطین رسیدند و از آنجا به بعد جریان دیگری سوار کار شد که دیگر از خود آقای خاتمی هم عبور کرد؛ آنها پایین‌تر که آمدند، دیگر به آقا هم توهین می‌کردند».

او با بیان اینکه همان زمان جلسه شورای امنیت بود و مطرح کردند که حالا که آنها درخواست کرده‌اند که آقای خاتمی در مجلس یا دولت برای آنها صحبت کند، مشکلی وجود ندارد، گفت: «بنابراین آقای خاتمی گفت من حرفی ندارم و می‌روم صحبت می‌کنم، به محض اینکه این اتفاق می‌افتد، آقای رحیم‌صفوی آنجا موضع می‌گیرد و می‌گوید هرکسی هرجا می‌خواهد برود صحبت کند، برود؛ اما خط قرمز ما مشخص است و اجازه نمی‌دهیم یک نفر از خیابان جمهوری عبور کند. از آن طرف سریع به ما دستور دادند که نیروها را در خیابان جمهوری آرایش دهید و هیچ‌کس حق ندارد به سمت پایین برود».

سردار ناصح می‌گوید: «خیلی‌ها حساسیت‌ها نسبت به مسائل امنیتی را متوجه نمی‌شوند. نمی‌دانند اگر در جریانی یک عده جمع شدند، آن جمع دیگر کنترل‌کردنی نیست که بگوییم فرض کنید تا پشت سیم‌خاردار یا پشت نرده آمده و ما برویم با آنها صحبت کنیم. یک جمع هیجانی دیوار را هم خراب می‌کند و رد می‌شود و اگر دیوار را خراب کردند، شما دیگر نمی‌توانید کاری کنید و اصلا نمی‌توان آن موقع کنترل کرد». فرمانده وقت لشکر ۱۰ سیدالشهدای تهران تأکید کرد: «به محض اینکه دستور آقای رحیم‌صفوی صادر شد، در جلسه شورای امنیت مطرح شد و یک‌دفعه جمعیتی که از خیابان فلسطین به سمت مجلس در حرکت بود، وسط راه همه برمی‌گردند. چه کسی به آنها اطلاع داد؟ بعد رئیس دفتر آقای خاتمی، آقای ابطحی، می‌خواست به آن سمت برود که مسئول سپاه حفاظت می‌گوید به من گفته‌اند که تا خیابان جمهوری خط قرمز است و احدی حق ندارد جلو بیاید. آقای ابطحی با آن فرمانده سپاه حفاظت جروبحث می‌کند که او می‌گوید بحث نکن، اگر اینجا بایستی تو را هم می‌زنم و درگیری لفظی پیدا می‌کنند».

«صفرعلی براتلو»، فرمانده وقت ناحیه مقاومت جنوب تهران و ری هم درباره وقایع ۱۸ تیر ۱۳۷۸ به «فارس» گفته: «من در آن مقطع فرمانده ناحیه جنوب تهران و ری بودم؛ آن موقع دیگر از غرب تهران رفته بودیم. آقای گرجی‌زاده هم فرمانده تهران بزرگ بود. ما احساس می‌کردیم که عملا مأموریتی در تهران نداریم؛ اما ایشان تماس گرفتند و از ما کمک خواستند. ما آمدیم، وارد شدیم و دو، سه تا از گردان‌هایمان را از شهر ری هماهنگ کردیم و در اطراف دانشگاه مستقر شدیم».

روایت عضو کمیسیون بررسی کوی دانشگاه

تیرماه امسال نیز «حمیدرضا ترقی»، نماینده وقت مجلس شورای اسلامی و عضو کمیسیون تحقیق و بررسی مجلس درباره رسیدگی به ماجرای کوی دانشگاه به «فارس» گفت: «سپاه و بسیج برای ختم غائله وارد این عرصه شدند؛ تماس سردار صفوی با رئیس‌جمهوری وقت و نامه فرماندهان سپاه به رئیس دولت اصلاحات ازجمله این اقدامات بود که مرور برخی از این وقایع مانند حرکت به سمت بیت رهبری نشان از ناپختگی این اقدامات دارد و مبیّن این واقعیت است که حرکت از دست‌شان خارج شده است؛ بنابراین سپاه احساس کرد که حرکت از سوی ضد انقلاب پیگیری می‌شود و دانشجویی نیست و هدف براندازی است که با دستگیری عوامل از سوی سپاه ماهیت فعالان آن به طور شفاف مشخص شد».

موضع دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی

نهایتا «حسن روحانی» که دبیر شورای عالی امنیت بود و به تازگی از سفر بازگشته بود، سخنران مراسم ۲۳ تیر ماه ۱۳۷۸ شد. او در بخش پایانی این مراسم که در دانشگاه تهران برگزار شد، گفت: «شورای‌عالی امنیت ملی به مردم قهرمان و دانشجویان عزیز اطمینان می‌دهد که: ۱- مسئله کوی دانشگاه را ریشه‌یابی، بررسی خواهد کرد و این بررسی را تا نتیجه نهایی ادامه خواهد داد و نتیجه آن را به اطلاع مردم خواهد رساند. ۲- به شهروندان عزیز و قهرمان تهرانی و به همه مردم ایران قول می‌دهیم نیروهای امنیتی ما و قوه قضائیه با سرعت با عناصر مخرب و مفسد برخورد قاطع خواهند کرد. ۳- به مردم اعتماد و اطمینان می‌دهیم که دولت و نیروهای امنیتی ما کاملا بر اوضاع مسلط هستند و هیچ‌گونه نگرانی در این زمینه وجود ندارد. لازم می‌دانم از نیروی انتظامی به خاطر تلاش‌های شبانه‌روزی‌اش در این چند روز، از نیروی عزیز و قهرمان بسیج و همچنین پرسنل بیدار وزارت اطلاعات تشکر، سپاسگزاری و قدردانی نمایم که تلاش و فعالیت فوق‌العاده‌ای در این چند روز داشته‌اند. از دانشجویان عزیزمان تشکر می‌کنم که با دقت و سرعت، حساب خودشان را از این عناصر مفسد جدا کردند و به‌خوبی هوشیاری و آگاهی خود را در این مقطع حساس نشان دادند». روحانی بعدها در کارزار انتخابات ۱۳۹۲ درباره آن روزها این‌گونه صحبت کرد: «در وقایع ۱۸ تیر، بسیار مهم بود بین کار دانشجویان و کار آشوبگران تفکیک صورت گیرد. همه تلاش ما این بود به مردم بگوییم اینها که در خیابان اتوبوس آتش می‌زنند و چادر زن چادری را از سرش می‌کشند یا به مغازه‌ها حمله می‌کنند، دانشجو نیستند. عده‌ای از حرکت و انتقادات دانشجویی سوءاستفاده کردند. ضمن اینکه ما خواستیم ناامنی که در تهران آغازشده بود، سریع‌تر جمع شود. من فکر می‌کنم کار بسیار بزرگی انجام شد. در سخنرانی ۲۳ تیر هم گفتم آمده‌ایم دامن دانشگاه و دانشجو را تنزیه کنیم. به مردم بگوییم این اقدامات تخریبی ربطی به دانشجویان ندارد. دانشجویان ممکن است انتقاداتی داشته باشند که حق آن‌هاست».

۳ بار استعفا دادم

سرلشکر «سیدحسن فیروزآبادی»، رئیس پیشین ستاد کل نیروهای مسلح، گفت‌وگویی مفصل با خبرگزاری «فارس» انجام داده است. دیگر محورهای این مصاحبه که «محمدمهدی یزدی» و «هاجر تذری»، خبرنگاران «فارس» انجام داده‌اند، به شرح زیر است.

● سه بار در سالیان گذشته از مقام معظم رهبری تقاضا کردم ریاست ستاد کل را به فرد دیگری بسپارد.

● ستاد کل تهدیدات را چه به صورت بازدارندگی و چه تهاجمی دفع می‌کند.

● سیاست‌گذاری نیروهای مسلح بر عهده ستاد کل است.

● قرارگاه خاتم‌الانبیا بخشی از ستاد کل نیست.

● فرماندهان نیروهای مسلح برای عملیات تحت‌امر قرارگاه خاتم(ص) هستند.

● استراتژی ترکیب نیروها برای مقابله با تهدیدات به وسیله قرارگاه خاتم(ص).

● دولت دوم خرداد گمان می‌کرد اگر تعامل سیاسی قوی شود، امنیت برقرار می‌شود و دیگر تهدیدی وجود ندارد.

● سیاست خارجی در صورتی می‌تواند فعال و مؤثر واقع شود که نیروی مسلح آماده باشد.

● بنیان استراتژی سیاست خارجی دوم خرداد خراب بود.

● نیروهای مسلح قوی و پای کار است که سیاست خارجی را می‌سازد.

● ایجاد اینترنت یا WTO برای اهداف کلان استعماری است.

● اظهارات آقای هاشمی را در زمان حیات امام(ره)، زمان جنگ و زمان ریاست جمهوری‌اش با سخنان امروز مقایسه کنید!

● تلقی این بود که با فتح فاو جنگ را تمام کنیم.

● متن قطع‌نامه ۵۹۸ بسیار سیاسانه نوشته شده بود.

● تلخی جام زهر امام را فقط رزمندگان و خانواده شهدا می‌توانستند بفهمند.

● اشکال هاشمی این است که در جامعه ولایی به تشخیص خود عمل می‌کند.

● وقتی آقا، نظری را تأیید نکردند دیگر آن فرد حق ادامه‌دادن آن را ندارد.

● فردی به امام گفت انقلاب مگر بُغچه حمام است که صادرش می‌کنیم؟!

● جمهوری اسلامی بنا ندارد که با کشورهای دیگر بجنگد یا در امور و مصالح ملت‌ها دخالت کند.

● به درخواست خود دولت عراق به کمکشان رفتیم. به دولت عراق تجهیزات می‌فروشیم.

● در یمن مستشار نظامی نداریم.

● دفاع از مردم بحرین دخالت محسوب نمی‌شود.

● به فلسطین و غزه مستشار فرستادیم.

● جریانات سیاسی تجدیدنظرطلب مخالف پاسداری نیروهای مسلح از انقلاب بودند.

● چالش نیروهای مسلح با سیاسیون تجدیدنظرطلب تمام نمی‌شود.

● سیاسیونِ ایجادکننده تهدید با نیروهای مسلح اصطکاک پیدا می‌کنند.

● سیاسیون تجدیدنظرطلب در این دولت هم در صحنه هستند.

ادامه از صفحه ۴

فقر چندبُعدی زیرپوست ایران

این وضع تا چه زمانی ادامه دارد؟

تا وقتی که سازوکارهای معیوب تولید و نظام انگیزش‌های مالی را اصلاح نکرده‌ایم و تا زمانی که اتلاف گسترده منابع در اقتصاد وجود دارد، این فقر هم با ماست و به‌سادگی هم ریشه‌کن نمی‌شود.

اما سال‌های طولانی است که این حرف‌ها زده می‌شود؛ اقتصاددانان و کارشناسان اینها را تکرار می‌کنند و هیچ اتفاقی هم نمی‌افتد؛ چرا؟

واقعیت این است که مستقرشدن هیچ نظمی تصادفی نیست. نظام اقتصادی و انگیزشی ایران به‌شدت تحت تأثیر نظم سیاسی است. اینها همه متأثر از هم هستند.

بارها گفته شده و بازهم گریزی از بیان این نکته نیست که اقتصاد ایران وابسته به نفت است. زمانی که دولت در حال توزیع رانت حاصل از نفت بین طبقات اجتماعی است، فساد شکل می‌گیرد. دعوا و درگیری سر توزیع رانتی است که همه دولت‌ها آن را توزیع می‌کنند. توزیع رانت‌های غیرمولد همه انسان‌های فاسد و انحصارطلبان را دور دولت جمع می‌کند؛ آنها می‌خواهند از این رانت استفاده کنند.دراین‌میان همه طبقات اجتماعی هم از دولت طلبکارند؛ چه ثروتمندان و متنفذین، چه نهادها و چه مردم فقیر. همه می‌خواهند دولت همه مسائل‌شان را حل کند. دولت هم که سیستم مالیاتی مناسب و بودجه‌ریزی درستی ندارد، منابع را هدر می‌دهد. به‌این‌ترتیب این دور باطل مدام تکرار می‌شود.

می‌خواهم بگویم فقر محصول سیاست‌ها و نهادهای معیوب است؛ این نهادهای معیوب هم به‌این‌دلیل به فعالیت‌شان ادامه می‌دهند که عده‌ای از این وضع منتفع می‌شوند؛ ذی‌نفعانی دارد و بنابرین هیچ‌کس جرئت نمی‌کند منافع گروه‌های ذی‌نفوذ را به مخاطره بیندازد.

مثالی از جنجال‌های این ذی‌نفعان در ذهنتان دارید؟

دقت کنید؛ همین حالا سروصدایی که درباره قراردادهای جدید نفتی به پا شده، مثال مسلم این قصه است. نهادهای بسیاری که مؤسسات متعدد اقتصادی را اداره کردند و هرگز حسابرسی نشدند؛ هرگز مالیات نپرداختند؛ حتی همین نهادهای حمایتی که در کشور وجود دارد. این نهادهای حمایتی در ایران تداخل وظایف دارند و روشن نیست چه خدماتی را در ازای پول‌هایی که دریافت می‌کنند، ارائه می‌دهند. کسی تابه‌حال حسابرسی کرده که فساد مالی افشاشده در فلان نهاد چه بود؟ آیا کسی پرسید که چرا یک نهاد حمایتی دچار فساد می‌شود؟ مگر در جامعه ما عزیزتر و محترم‌تر از خانواده شهدا وجود دارد؟ وقتی در بنیاد شهید اختلاس می‌شود؛ چه می‌توان کرد؟ یا مثلا به سوءاستفاده‌های مالی که به‌تازگی روشن شده در صندوق فرهنگیان رخ داده، دقت کنید. اینها همه اتلاف منابع است که به کام عده‌ای اندک و به هزینه خیل بزرگی از مردم رخ می‌دهد. به‌هرروی دیده می‌شود که نوع رشد اقتصادی، نظام توزیع، نظام حمایتی و... در تشدید فقر دخیل است؛ اما اصل همانی است که گفته شد. برای نمونه به اسم هدفمندسازی به همه اقشار جامعه -چه با نیاز، چه بی‌نیاز- یارانه پرداخت شد. خب؟ این سوءمدیریت را نشان می‌دهد. پس از آن هم بدون آنکه بفهمیم بار مالی این کار چیست، آن را ادامه می‌دهیم؛ کسی هم جرئت نمی‌کند این روند معیوب را قطع کند. افراد گردن‌کلفت پولدار از این محل پولدار شدند و کسی هم نیست که حسابرسی کند. این همان هدردادن منابع است. این مثال‌ها بی‌شمار است. چقدر مدرسه در ایران وجود دارد که ساختمان‌های فرسوده و آسیب‌پذیر برابر زلزله دارند؟

منظور من این است که مگر چقدر برنامه حمایتی منسجم در نهادهای ایران وجود دارد که شفافیتی بر آن حاکم باشد، پاسخ‌گو باشد و فسادی در آن نباشد. برای نمونه فلان بنیاد را در نظر بگیرید. چرا بیلان کاری‌اش را روشن نمی‌کند؟

از این موارد بسیار است؛ ریشه حل‌نشدن این قصه در چیست؟ درست است که ذی‌نفعان در این فساد نقش دارند؛ اما به‌هرحال چه نهادی و چه کسی باید از این موارد پیشگیری کند؟ چرا این اتفاق رخ نمی‌دهد؟

مثال می‌زنم. برای نمونه دولت آقای روحانی که سر کار آمد، یک طرح سلامت به اجرا گذاشت که در مرحله نخست اجرا موفق و باعث رضایت خانوارها بود؛ اما وقتی به ریشه‌های این موضوع نگریسته می‌شود، نظام پرداختی در چهارچوب این طرح برپا کردند که بسیار ناعادلانه بود. آن زمان آینده را ندیدند؛ اینکه این طرح در درازمدت چنان بودجه عظیمی را طلب خواهد کرد که دولت از عهده پرداختش برنمی‌آید؛ یعنی کاری که با نیت خیری شروع شده؛ ولی به توان دولت و آینده توجه نشده است. اینها خود به ریشه‌های فسادی تبدیل می‌شود که نمی‌توان آن را کند.